

ادامه از صفحه اول

عقلانیت و اخلاق، محور رفتار پیامبر

فقر اقتصادی کفر اعتقادی به دنبال خود می‌آورد. پیامبر اسلام آنگاه مشعشر به دست گرفت که جامعه مدنی مدینه مورد تعرض کفار قرار گرفت و پیامبر به‌عنوان دفاع از امنیت مردم به تجهیز جنگی همت گماشت. ایشان با متخالفان خود با بزرگواری رفتار می‌کرد، شعار «العفو عند القدرت» را سرلوحه قرار می‌داد و برای نمونه در روز فتح مکه که اوج اقتدار ایشان بود، ندای «الیوم یوم المرحمه» سرداد. روزی در همین مکه بر سر او خارواشاک یا شکمه گوسفند ریختند و روزهای پس از پیروزی بر کفار مکه می‌توانست به مقطع مجازات توهین‌کنندگان بدل شود اما پیامبر اسلام با اشاره به رفتار و گذشت یوسف پیامبر نسبت به برادران ظالمش امر به گذشت، بخشش و رحمت کرد. پیامبر اسلام فرمود: «ان الله امرنی بدمدارات الناس کما امرنی بتبلیغ رسالات الله/ به‌درستی‌که خداوند مرا به مدارای ما مردم امر کرد. آن‌چنان‌که مرا امر کرد به تبلیغ رسالت و پیامبری خدا». ایشان از زمان جوانی و شهره‌شدن به لقب محمد امین، مدارا برای ازین‌بردن خشونت، درپیش‌گرفتن راستی در کردار و مهربانی با ضعفا را یک اصل اساسی می‌دانست و به آن ملزم بود؛ چراکه رفق، مدارا، اخلاق و عقلانیت، عامل ساخت جامعه آرمانی است، ایشان می‌فرماید هرکس عقل ندارد، دین ندارد؛ پس رواج جهل، خرافه‌پرستی و ترویج بدعت‌های فراوان تقابل با عقل و عقلانیت است. تلاش پیامبر و امامان ما و حضرت امام جعفر صادق (ع) که در آستانه ولادت ایشان نیز قرار داریم، ترویج دانش و آگاهی برای ایجاد جامعه مبتنی بر عقل است که رشد آن مانع قوت‌گرفتن ظلم است. پیامبر اسلام، ایمان و معنویت، اخلاق و عقلانیت را سه محور رشد انسان و جامعه می‌دانست، خداوند به پیامبر(ص) می‌فرماید اگر اخلاقت تند و خشمیکنانه بود، مردم از دور تو پرانکند می‌شوند اما تو خوشرو هستی. خدا به پیامبر خود فرموده برای جذب مردم کسانی را که نسبت به حق اشتباهی نداشته‌اند، مورد بخشش قرار بده و بر سفره مشورت دعوت کن. این رفتار، اخلاق اسلامی است و سفره مشورت نهایت احترام به فکر انسان است. بازخوانی این آموزه‌ها در ایام ولادت ایشان احترام به مقام بلند پیامبر رحمت است.

محیط زیست عاشق می‌خواهد!

کلاردشت، ناهر‌خوران گرگان و گردنه حیران و صدها کانون سبز دیگر در گوشه و کنار کشور، روند ناپایستی بیابانی‌شدن و گسترش ریزگردهای مرگزا و... منشی از خورار تخریب‌ها در این سال‌ها به شمار می‌آید. از آنجا که این روند عمدتا از دهه ۲۰ به بعد شتاب گرفته است، این پرسش وجود دارد که برخی مدیران فعلی در بازدارندگی این روند تخریب، چه اثر انگشتی جز نباشته‌کردن رزومه خود داشته‌اند؟ ای کاش ایشان صادقانه پاسخ دهند جز در مراسم نمادین درختکاری، آیا تابه‌حال یک نهال کاشته و پرورش داده‌اند که این‌گونه از قلع‌وقمع نزدیک به ۳۰ هزار درخت تناور بشنارت می‌دهند؟ بستر آسیب‌دیده حیات کشور ما بیش از رزومه به عنصر عشق نیاز دارد؛ عشقی که می‌توان در سینه شکافته محیط‌بانان فداکار از تیر جفای یک شکارچی یا در ساق پاهای خسته اما مصمم کوهنوردی گام‌ها دید. کوهنوردی که پاره‌های پلاستیک را از گوشه‌ونگار در کوله کوچکش جمع‌آوری می‌کند. باید فضا را برای هزاران هزار عاشق بی‌چشمداشت محیط زیست که رزومه‌ای جز لیخند سبز آفرینش در انبان ندارند، باز کرد؛ عاشقانی که به‌جای بریدن، بر شورش‌های خودساخته، درختانی تناور خواهند کاشت.

خبر

سخنگوی قوه قضائیه خبرداد:

دستگیری رسول دانیال زاده به‌دھکار بزرگ بانکی

● ایستا: سخنگوی قوه قضائیه از دستگیری یک به‌دکار بزرگ بانکی خبر داد.غلامحسین اسماعیلی گفت: رسول دانیال‌زاده، یکی از به‌دکاران کلان بانکی کشور که در پرونده حسین فریدون به اتهام پرداخت رشوه محکوم شده و پس از دستگیری اکبر طبری به خارج از کشور گریخته بود. این فرد بیش از چهار هزار میلیارد تومان بدهی بانکی داشته است. او افزود: او قصد مراجعت به کشور را نداشت اما با پیگیری‌های اطلاعاتی و رصدهای مختلف و اقداماتی که سر‌بازان گمنام اسام زمان (عج) در سیاه پاسداران انجام دادند، پذیرفت که طی یک مسیر هدایت شده به کشور بازگردد. در رابطه با این فرد، دستگیری در خارج از کشور انجام نشد و هدایت شد که خودش به کشور بازگردد و مراجعت به کشور انجام شد. اسماعیلی گفت: بعد از بازگشت به کشور، تحقیقات در بخش‌های مختلف از وی در حال انجام است. به لحاظ اینکه قبول کرد به کشور بازگردد و در فرآیند تحقیقات هم همکاری‌های لازم را انجام داده، این فرد و هر یک از متهمان و محکومانی که به دستگاه قضا و جامعه اطلاعاتی کشور اعتماد کنند و به کشور برگردند، حتماً از ارفاقات و مساعدت‌های قانونی در رسیدگی به پرونده برخوردار خواهند بود.

شرق: در روزهایی که سالگرد آزادی آیت‌الله طالقانی از زندان است، همایش «طالقانی و زمانه ما» آغاز شد. این همایش قرار بود به مناسبت چهلمین سال رحلت آیت‌الله طالقانی در کتابخانه ملی برگزار شود. همایشی برای احیای ارتباط اندیشه‌های طالقانی با نسل امروز که به گفته محمدمهدی جعفری، دبیر کمیته علمی همایش، ایده آن از یک سال قبل میان خانواده و دوستاندارن او به وجود آمد. جعفری که سخنران مراسم افتتاحیه بود، گفت: به اعتقاد علاقه‌مندان به آیت‌الله طالقانی، «برگزاری سالگرد به‌تنهایی کافی نبود؛ هرچند سال‌ها اجازه برگزاری رسمی همین مراسم ساده را هم نمی‌دادند و مراسم سالگرد مرحوم طالقانی در خانه به صورت خصوصی انجام می‌شد». روز گذشته همایش «طالقانی و زمانه ما» شروع شد و در بخش‌های مختلف امروز نیز برگزار خواهد شد.

بعد از جعفری، مصطفی ملکیان، فیلسوف ایرانی، اشرف بروجردی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی و سعید مدنی، پژوهشگر اجتماعی، کسانی بودند که به سخنرانی پرداختند و ابعاد شخصیت و اندیشه‌های طالقانی را تبیین کردند. **پدر بود، هدایتگر و راهنما** جعفری توضیح داد هدف اصلی برگزاری همایش «برای متوجه‌کردن نسل جدید از اهداف و اصول شخصیتی است که تا زنده بود، برای حفظ و پاسداری این اهداف و اصول» تلاش کرد. جعفری در بخش‌هایی از سخنرانی خود با اشاره به نارضایتی‌هایی که طالقانی پس از پیروزی انقلاب از روند تحولات داشت، گفت: «تندروی، بی‌پانامگی، جنگ تحمیلی، سهم‌خواهی‌ها و کینه‌توزی‌ها باعث شد ملت ایران از اهداف خود دور شوند. او گفت: «به این فکر افتادم با برگزاری این همایش، آن اصول و اهداف را در معرض عموم قرار دهم، بنابراین فراخوان دریافت مقالات منتشر شد که در نهایت ۸۰ مقاله از داخل و خارج کشور دریافت شد و پس از دآوری، ۲۰ مقاله برای ارائه در همایش آماده شد. بعد از پایان همایش نیز این مقالات به همراه ۳۰ مقاله دیگر که به تأیید کمیته داوران رسیده است، در مجموعه‌ای چاپ خواهد شد». بعد از جعفری، اشرف بروجردی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نقش طالقانی در تاریخ را چنین شرح داد: «آیت‌الله طالقانی پدری بود که فراگیری پدری او هیچ حد و مرزی نمی‌شناخت؛ مگر در برابر ظلم. طالقانی آرامشی داشت که فرصت تفکر در سایه این آرامش برایش فراهم بود». رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی در ادامه گفت: «همگان پخش پرسش می‌شوند: «قرآن در صحنه، همه وجودمان گوش بود تا یاد بگیریم چگونه زندگی کنیم و رواداری را چگونه وارد زندگی خود کنیم و عامل آن باشیم». او افزود: «او پدر بود برای مردمش و هدایتگر و راهنمای هر کسی بود که به سخنانش گوش فرامی‌داد».

چرا طالقانی نزد مردم محبوب بود؟

مصطفی ملکیان، فیلسوف ایرانی، موضوع سخنان خود را به بررسی چرایی محبوبیت روحانیونی مانند طالقانی و منتظری نزد عموم مردم اختصاص داد. او گفت: این پدیده به‌ندرت در روحانیت یافت می‌شود که در مجالس غیر روحانیت

نیز شیفتگانی داشته باشند. باید پرسید چرا همه روحانیون این اقبال را ندارند و چرا روحانیونی مانند طالقانی و منتظری از این لحاظ ممتاز هستند؟ رمز این تمایز و تفاوت چیست؟ به عبارتی، پاسخ به این سؤال‌ها نکته‌ای است که می‌توان آن را برای آسیب‌شناسی روحانیت دین اسلام و حتی بقیه ادیان به کار برد. ملکیان برای پاسخ به این سؤالات به وجود هفت عامل اشاره کرد. او اولین عامل را باور به تمایز بین ما و دیگران در حوزه دانست.

او ادامه داد: «وجود این پیش‌فرض باعث می‌شود طلب به لحاظ عاطفی نتواند همه انسان‌ها را دوست بدارند. برعکس قرآن که تعبیر رحمة‌العالمین را دارد و پیامبر نیز الگوی رحمت به همگان بوده است. اما آیت‌الله طالقانی و منتظری این پیش‌فرض را نداشتند». این فیلسوف برجسته ایرانی در ادامه به عامل دوم پرداخت و گفت: عامل دوم به این برمی‌گردد که ما تقریباً تا صد سال پیش مدرسه‌ای غیر از حوزه علمیه نداشتیم و همه علوم و معارف در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شد، به‌جز فنون و هنرها که در بیرون حوزه‌ها آموخته می‌شد. به همین دلیل برای روحانیون این پیش‌فرض به وجود آمد که ما خواص هستیم و اگر کسی در حوزه علمیه راه نیافته بود، جزء عوام محسوب می‌شد. و حتی این فکر را داشتند که ما بین خویان هم خاص خویان هستیم و دیگران عام خویان هستند.

ملکیان اضافه کرد: این پیش‌فرض در حالی مطرح است که امروز بخش ناچیزی از علوم در حوزه تدریس می‌شود و ۹۵ درصد از علوم در مدارس دیگر بحث می‌شوند، اما هنوز این پیش‌فرض از ذهن روحانی‌پیش‌ترفته است. الان حتی علوم‌ی مثل فلسفه و کلام نیز در خارج از حوزه تدریس می‌شود و افرادی با دانش خیلی بیشتر از روحانیون هم در این علوم وجود دارند. نکته اینجاست که طالقانی و منتظری این پیش‌فرض را نداشتند و همیشه با دیگران صحبت و از آنها بی‌پوش‌خواهی می‌کردند.

او چهارمین عامل را به مسائل اخلاقی مرتبط دانست و افزود: «عامل دیگر به اخلاق و ارتباط آن با مناسک و شعائر بازمی‌گردد. ما باید بدانیم اخلاق در درجه اول است و مناسک و شعائر باید در استخدام اخلاق باشند. پیامبر و قرآن این

سیاست

همایش «طالقانی و زمانه ما» با سخنرانی ملکیان، بروجردی، مدنی و جعفری

طالقانی اسم رمز محبوبیت



را می‌گویند. این معکوس این اصل است که اگر مناسک و شعائر مزاحم اخلاق باشند، باید اخلاق مقدم باشد. اگر اخلاق را ترجیح بدهی بین مردم همدلی ایجاد می‌شود، زیرا اخلاق بین تمام انسان‌ها مشترک است. اما مناسک باعث اختلاف و دوری آدم‌ها می‌شوند». فقر خودخواسته ششمین عاملی بود که ملکیان به آن اشاره کرد: «زمانی هست که کسی ثروت و مکتن ندارد ولی زمانی هست که ثروت و درآمد دارد و می‌تواند مرفه زندگی کند، اما این کار را نمی‌کند، چون می‌خواهد فقر را قابل تحمل کند، یعنی اگر نمی‌تواند فقر را به صورت عینی از میان ببرد، حداقل می‌تواند به صورت ذهنی این درد را برسای فقرا کم کند. به عبارتی با اینکه می‌تواند مرفهانه زندگی کند، اما نهایتاً مثل متوسط مردم زندگی می‌کند». او آخرین ویژگی روحانیونی همچون طالقانی را این‌طور توضیح داد: «دیگر ویژگی این افراد این است که زمان‌پریش نیستند. زمان‌پریشی از آفت‌های مهم است. وقتی دو گروه از اقدار در زمان‌های متفاوت زندگی می‌کنند، هیچ همدلی و درکی نمی‌تواند میان آنها به وجود آید». او گفت: «این صحبت‌ها از سر خیرخواهی است. اگر نباست دین در جامعه وجود داشته باشد، باید نمایندگان دین کاری کنند که مردم جذب شوند، نه اینکه خود دلیل دوری مردم از دین شوند».

طالقانی توسعه‌گرا بود؟

سعید مدنی، پژوهشگر اجتماعی و عضو بازشنسته هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی تهران، در ادامه بحث خود از موضوع توسعه‌گرابودن طالقانی آغاز کرد. او گفت که «مفهوم توسعه در کلیت خود می‌گوید بدون درنظرگرفتن اولویت‌ها به‌سادگی نمی‌توان مسائل جامعه را به منابع محدود حل کرد. توسعه مسئله مهمی است، چون با معیشت مردم ارتباطی عمیق دارد. نگاه به توسعه و رویکردهای غلط نسبت به آن مانع رشد کشور شده است و از این جهت مسئله توسعه اهمیت حیاتی دارد». مدنی در ادامه به تاریخ ایجاد مفهوم توسعه در ایران پرداخت و گفت: «از نظر تاریخی توسعه از روز شکست قشون ایران در برابر روس‌ها در میان سیاستمداران ایرانی شکل گرفت و روشن‌فکران نیز در پی پاسخ به این سؤال بر آمدند که چرا ما نسبت به سایر کشورها از پیشرفت و رشد کافی برخوردار نیستیم؟ در دوران

پهلوی اول و دوم هم تلاش‌هایی در پاسخ به این سؤال بود و به همین دلیل تمایل به مدرنیسم اتفاق افتاد که همین نگاه موجب انقلاب در دهه ۵۰ شد». استاد دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی ادامه داد: «پس از انقلاب، تأکید بر هویت ایرانی و اسلامی مورد توجه قرار گشت، اما چون نگاه منسجمی وجود نداشت، از دیدگاه‌های مختلف مورد نقد قرار گرفت. منتقدین در این دوره دو دسته بودند: متفکران پست‌مدرن که به الگوی توسعه موجود نقد داشتند و دیگری نخبگان مذهبی به‌ویژه کسانی که با هر نساوری نخبگان بودند. همین نوع نگاه تا جایی پیش رفته که اکنون برای حل مسئله جمعیت، به راه‌حل ترویج چندهمسری پرداخته شده است».

او با معرفی طالقانی به عنوان یک مرجع فکری و فرهنگی در جامعه ایرانی درباره نوع نگاه او درباره توسعه توضیح داد: مراجع فرهنگی در زمینه توسعه سه واکنش داشتند: کسانی که مسکوت‌انند، یعنی درباره توسعه هیچ نظری ندارند، دیگران ضد توسعه هستند که قبلاً اشاره شد و گروه سوم کسانی هستند که به توسعه کمک و پشتیبانه نظری برای آن فراهم می‌کنند. دیدگاه گروه سوم محوری‌ترین خط عبور سنت به مدرنیته است. در جوامع غربی این مسیر گذر از سنت به مدرنیته زمینه شکل‌گیری تفکر جدید علمی به جای مرجعیت مذهبی شد». مدنی توضیح داد تفکرات جدید که از مسیر سنت به مدرنیته عبور کردند، مفاهیم جدید را بازتولید کردند. او گفت مهم‌ترین مختصات این تفکر جدید که پایه توسعه بود، چند ویژگی داشت: بهره‌گیری از علم برای حل مسائل زندگی، به طبیعت و دنیای مادی به عنوان مبنای ثابت تفکر و شناخت نگاه می‌کرد، کلیت مستقل جامعه و مستقل از فرد را به رسمیت می‌شناخت، اراده‌گرایی را به جای تقدیرگرایی می‌پذیرفت، بر چستی حکومت نه کیستی حاکم تأکید داشت و معتقد بود نظام‌ها و ساختارها باید توسعه را اداره کنند. در واقع تنوع قدرت در اداره جامعه باید از بین برود. مدنی مبانی فلسفی و نظری توسعه در آرای طالقانی را چنین تبیین کرد: «طالقانی توجید را زیربنای توسعه جامعه انسانی می‌دانست، در واقع نوع نگاه وی به توحید می‌توانست با دنیای مدرن گره بخورد. طالقانی عقل و علم بشری را بر بنیان‌های آزادی‌پی‌ریزی کرد و در تفسیر پرتویی از قرآن هم تأکید داشت که پیشرفت اولیه اسلام به همین دلیل بوده است. او اندیشه‌های علمی را به رسمیت می‌شناخت و در برنامه پرتویی از قرآن هم از منابع علمی مختلف استفاده می‌کرد. طالقانی برای تفکر و شناخت به طبیعت و دنیای مادی توجه می‌کرد و از فلسفه سیاسی برای تأمین مصلحت عمومی برخوردار بود. او با اشاره به توصیف مهندس سبحانی مبنی بر پایه‌گذاری مکتب سوسپال‌دموکراسی از سوی طالقانی گفت: پلورالیسم (کثرت‌گرایی) در آرای طالقانی برجسته بود و وی این موضوع را لازمه توسعه می‌دانست. شواهد و منابع زیادی می‌دهد ایشان توسعه‌گرا و مشوق رویکرد توسعه بودند. مدنی گفت مهندس سبحانی چهار خصلت قرآنی طالقانی را ظلم‌ستیزی، غمخوار فقرا، اهل خدمت بی‌منت و تسامح و تساهل می‌دانست که با بازتولید تفکر طالقانی ممکن می‌شود.

روزنه

حسین مرعشی:

مقامات قضائی با توهین‌کنندگان به رئیس‌جمهور بر خورد کنند



● **زهرة آقایی:** پس از سخنرانی آقای دکتر روحانی در میان مردم یزد، فضای خاصی در کشور ایجاد شد و واکنش‌های متعددی درباره آن شکل گرفت. مخالفان دولت به‌شدت به او، سخنان و دغدغه‌هایش حمله کردند و موافقانش بعضاً آن را دیر دانسته و خواستار اقدامات عملی او شدند و اکثفا به سخنرانی را چاره کار ندانستند.

حسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی، از منظر دیگری به موضوع پرداخت و گفت: «توقع این است که سران قوا با هم مشکلات مملکت را حل کنند؛ هم قوه قضائیه هم رئیس‌جمهور نباید به یکدیگر حمله کنند. باید زانو به زانو هم نشسته و چهارتا از مشکلات مملکت را با هم حل کنند، هم فساد دانه‌درشت‌ها و هم فساد دانه‌ریزها همه باید پیگیری شود. ما به هر نوع فساد مخالف هستیم. همه مفسدان را بازداشت کنند ما هیچ مشکلی با مبارزه با مفسدان نداریم. درباره سخنان اخیر آقای دکتر روحانی که در جمع مردم یزد ایراد شد، اصل موضوع این است که از یک طرف عده‌ای نباید آقای رئیس‌جمهور را عصبانی می‌کردند و از طرف دیگر وقتی آقای رئیس‌جمهور عصبانی می‌شوند، نباید کارها و حرف‌هایی را که باید در جلسات خصوصی عنوان کنند، علنی کنند و تن و بدن مردم را بلرزانند. البته معترضان در آن اجتماع مردم نبودند؛ اما وقتی مردم می‌فهمند که در مملکت اختلاس‌های بزرگ انجام شده است، بدشان می‌لرزد. آقای رئیس‌جمهور باید این پول‌ها را به خزانه مملکت بازگرداند و مملکت را با آن اداره کند. اینکه چطور می‌خواهد این پول‌ها را بازگرداند، ما نمی‌دانیم، مربوط به تدبیر ایشان است. اگر این سخنرانی برنامه‌ای باشد که از نتیجه این پول‌ها به صندوق ارزی مملکت بازگردد، خوب هم هست. اگر پول‌ها بازنگردد و منجر به اختلافات بیشتر شود، مناسب نیست. سخنرانی‌کردن تنها یک اقدام از اقداماتی است که رئیس‌جمهور می‌تواند انجام دهد؛ یعنی حرف‌زدن با مردم یکی از برک‌های رئیس‌جمهور است که در وقت مقتضی و مناسب باید رو کند. آقای روحانی باید برنامه جامعی داشته باشد که یک برگ از این برنامه‌ها سخن‌گفتن با مردم است. با الان آقای روحانی سخنرانی‌های خوبی کرده‌اند ولی پشت آن یعنی نه این طرف و نه بعد از آن برنامه‌ای نداشته‌اند. ما از رئیس‌جمهور می‌خواهیم این سخنان را به نتیجه برساند یعنی پول‌های بهیچمارفته را به خزانه بازگرداند. اگر سخنرانی شود و پول‌ها بازنگردد که خوب نیست و نتیجه‌ای ندارد».

او در پاسخ به این پرسش‌که موقعیت و محتوای سخنرانی آقای روحانی در یزد را چگونه ارزیابی می‌کنید، گفت: «در واقع سخنرانی و سکوت در جای خود خوب است. برنامه‌ناداشتن و تدبیرداشتن در امور بد است . بالاخره اگر قرار است با فساد مقابله شود، باید یک برنامه وجود داشته باشد. سال‌هاست که سناد مبارزه با فساد اقتصادی تشکیل شده است آقای رئیس‌جمهور و معاون اول ایشان در آن حضور دارند. قوه قضائیه و وزارت اطلاعات حضور دارند. اینها باید با سرپنجه تدبیر کشور را اداره کنند و به این مفاسد رسیدگی کنند. با دعوا نمی‌شود کشور را اداره کرد، در همین راستا یکی از ابزارهای رئیس‌جمهور حرف‌زدن با مردم است؛ مثلاً، آقای رئیس‌جمهور بگویند که مردم حق انتخاب دارند؛ معلوم است که این یک سخن خوب است، ولی اگر این سخن خوب رئیس‌جمهور در شورای نگهبان کمک نکند و نپذیرد، اگر فضا باز نشود که به نتیجه منجر رسد. سخنرانی کافی نیست؛ همه ابزارها و راه‌ها به سخنرانی ختم نمی‌شود. ما در جامعه با بداخلاقی‌هایی مواجه هستیم که شئونات و احترام رئیس‌جمهور منتخب مردم و دومین مقام رسمی کشور حفظ نمی‌شود. این رویه، رویه خطرناکی است. مادامی که کسی در کسوت ریاست‌جمهوری است، باید شئونات و احترام او حفظ و رعایت شود. من همه حرکت‌های سازمان‌یافته‌ای را که در یزد علیه آقای رئیس‌جمهور و برای جسارت به ایشان شده است، محکوم می‌کنم و امیدوارم مقامات قضائی مسئول و دادستان محل برخورد لازم را صورت دهند و از حیثیت رئیس‌جمهور که حیثیت شخصی نیست و حیثیت نظام است، دفاع کنند. مرعشی همچنین درباره اینکه آیا سخنانی که در یزد مطرح شد، حق روحانی بود یا نه، اظهار کرد: «سخنان رئیس‌جمهور حق طبیعی ایشان بود، اما رئیس‌جمهور فقط نباید به حقوق خود فکر کند».